

به نام خدای مهربان

## اولین کتاب علمی من - ۲

# گربه کوچولوی سفید و شاپرک

نوشته‌ی جف ورینگ • ترجمه‌ی دکتر سارا سیدناصری • بازنوشته‌ی حسین فتاحی



در سی و سومین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (بهمن ۱۳۹۴) به عنوان اثر شایسته‌ی تقدیر شناخته شده است.

این اثر توسط داوران و کارشناسان دبیرخانه‌ی سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی دفتر تکنولوژی آموزشی و کمک‌آموزشی آموزش و پرورش، مناسب و مرتبط با برنامه‌های درسی دوره‌ی آموزش ابتدایی دانسته شده است.

ناشر پیشرو در انتشار کتاب‌های کمک‌آموزشی برای مهدکودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها

واحد کودک و نوجوان موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر

دفتر و فروشگاه مرکزی: تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محتشم، شماره‌ی ۲۰، طبقه همکف واحد ۱  
تلفن: ۶۶۴۱۰۰۴۱ (خط ۵) • تلفکس: ۶۶۴۶۸۲۶۳ • کد پستی: ۱۳۱۵۸۴۴۵۴۷  
سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۶۶۶۶۳ • www.zekr.co • @ghasedakbooks

گربه کوچولوی سفید و شاپرک

سرشناسه : وارینگ، جف Waring, Geoff

نویسنده و تصویرگر: جف ورینگ

عنوان و نام پدیدآور : گربه کوچولوی سفید و شاپرک / نوشته‌ی جیوآف ورینگ؛ ترجمه‌ی سارا سیدناصری.

مشخصات نشر : تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک.

فروست

موضوع : ماجراهای گربه سفید کوچولو؛ ۲.

مشخصات ظاهری : ۲۴ ص: مصور (رنگی).

شابک : ۹۲/۵۱۲

لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۲/۵۱۲

تیراژ: ۱۵۰۰ جلد • چاپ سوم: ۱۳۹۸

وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۵۴۲-۲

یادداشت

عنوان اصلی: Oscar and the Moth.

یادداشت

گروه سنی: الف، ب، ج.

مشخصات دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۰۸-۲

موضوع

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای

دانشان‌های حیوانات، داستان‌های علمی، داستان‌های تخیلی، شب و روز

شناسه افزوده

سیدناصری، سارا، ۱۳۶۳، مترجم

رده‌بندی دیویی

۱۳۹۱ش گ-۱۷۶ و ۵۹۰ دا

موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

رده‌بندی دیویی

۲۸۷۱۳۶۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۷۱۳۶۴

بعد از ظهر بود و هوا گرم. گربه کوچولوی  
سفید روی سنگ‌های گرم پله دراز کشیده  
بود. شاپرک که تازه بیدار شده بود، پرواز  
کرد و روی شاخه‌ی گلی نشست.  
گربه کوچولو از شاپرک پرسید: «تو  
می‌دانی شب‌ها خورشید کجا می‌رود؟»  
شاپرک خندید و گفت: «خورشید جایی  
نمی‌رود. زمین می‌چرخد و ما از خورشید  
دور می‌شویم.»  
گربه کوچولو با تعجب گفت: «پس چرا  
من نمی‌چرخم؟»



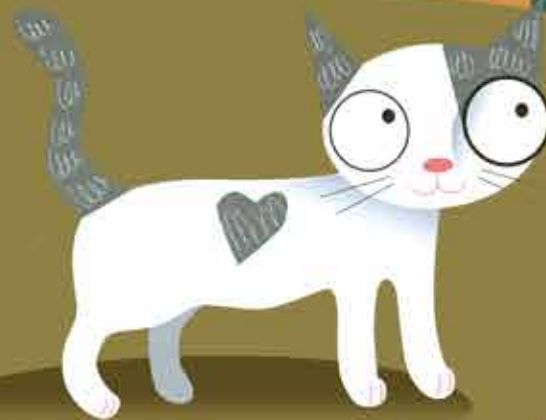
بعد از ظهر



ظهر



صبح



شاپرک گفت: «زمین آنقدر بزرگ است که ما چرخیدن آن را حس نمی‌کنیم. هر طرف زمین که رو به خورشید باشد، آن طرف روشن است و هر طرفی که از خورشید دور باشد، آنجا تاریک است. این تاریکی و روشنایی را می‌شود دید.»

گره کوچولو سردش شد. کمی لرزید. بلند شد و  
نشست و آهسته گفت: «سردم شد!»  
شاپرک گفت: «آره، وقتی ما از خورشید دور شویم،  
دیگر نور و گرما هم نیست. برای همین شب‌ها از روزها  
سردتر است.»

